

بررسی کتاب

مقدمه‌ای بر روابط ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)

• نادر پروین

گفت و ویژگی کتاب که در نتایج نهایی فصول آن نیز هویدا است، غلبه دیدگاه تحلیلی و علمی بر روش‌های سنتی شناخت و بررسی منابع تنش‌زا میان ایران و همسایگان است. زیرا بررسی و تحلیل منابع مشاجره بین ایران و کشورهای همسایه به عنوان یک رویکرد نوین مورد توجه شایسته قرار گرفته و در انتهای هر فصل نیز نتیجه‌گیری و افق آینده مناسبات بین دو کشور به تصویر کشیده شده است. علاوه بر این، در فصل انتهایی نیز نتایج فصول قبلی جمع‌بندی شده است. به طور کلی مجموعه حاضر از معدود تحقیقات جامع در زمینه بررسی و تحلیل منابع تنش و مشاجره میان ایران و همسایگانش با نگرش علمی و پایه‌ای جغرافیا بوده و در سیزده فصل تدوین شده است.

نکته حائز اهمیت در نگارش هر فصل، استفاده از منابع مستند و متعدد فارسی و لاتین است.

در پیشگفتار کتاب آمده است «امروزه، روابط فضایی دولت‌ها، اساس بقای ملی شناخته‌شده و در درک مسائل ملی و منطقه‌ای نقش ماهوی ایفا می‌کند. در واقع، امنیت ملی دولت - ملت‌ها، تحت تأثیر نوع فضای استراتژیک مسلط بر امنیت منطقه‌ای است. چنان که تشکیل جزیره‌ای ثابت در دریاهای ناامن منطقه‌ای ممکن نیست و یا ناپایدار خواهد بود. برعکس، ناآرامی و بحران‌های طولانی مدت در مناطق با ثبات، دوام چندانی ندارند.»

مؤلف در فصل اول به تشریح موضوعات زیربنایی و مفاهیم پایه‌ای تنش و مشاجره پرداخته و دوازده (محور جغرافیایی بالقوه



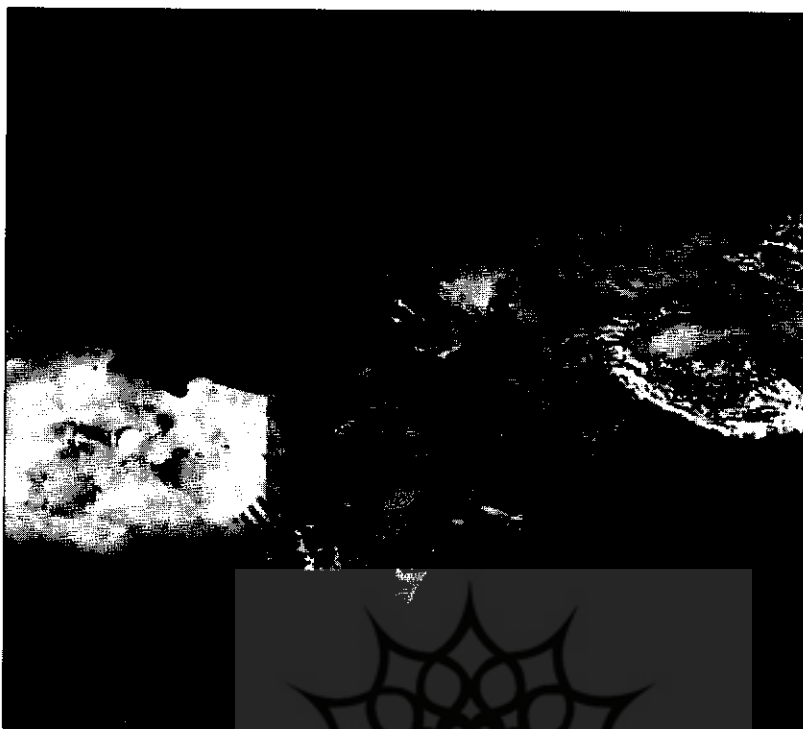
□ مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تهدید و تنش)

□ نوشته: دکتر یدالله کریمی‌پور

□ ناشر: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم،

۱۳۸۰، ۲۴۴ ص، ۱۲۰۰۰ ریال

مباحث و موضوعاتی که در این کتاب مطرح شده، در واقع اقدامی بسیار عالی در رشته جغرافیای سیاسی و مباحث دیگر رشته‌های مرتبط با آن محسوب می‌گردد و باید به عنوان پایه و الگو، مورد استفاده کسانی که قصد آموزش و پژوهش در زمینه جغرافیای سیاسی ایران را دارند، قرار گیرد. شاید به جرأت بتوان



امنیت ملی دولت –
ملت‌ها، تحت تأثیر
نوع فضای
استراتژیک مسلط
بر امنیت منطقه‌ای
است

مشترک آبی و خاکی کشورها، نیز نام می‌برد.

در جای دیگری در همین فصل، به چهل کشور دنیا که تا سال ۱۹۹۰ تنها درآمدشان از راه فروش استراتژیک فضای سرزمینی‌اشان بوده، اشاره شده است، حال آن که ذکر نمونه‌ای چند از این کشورها می‌تواند بر پر محتوایی موضوع بیفزاید.

در فصل دوم مؤلف پس از بررسی موقعیت نسبی ایران و همسایگان، مناسبات و چشم‌انداز عمومی ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای هم‌جوار ایران را در یک چارچوب منظم و در جملاتی بسیار ساده و قابل فهم به تفصیل بیان کرده است تا خواننده بتواند با اندک آگاهی سیاسی، تصویر روشنی از شرایط موجود را در ذهن مجسم نماید.

از طرف دیگر آن چه به نظر سؤال برانگیز بوده و با بررسی دقیق‌تر محتوای این فصل نمود پیدا می‌کند، وجود جای خالی یک یا چند نقشه جغرافیایی متشکل از لایه‌های اطلاعاتی تقسیمات سیاسی (مرزهای بین‌المللی) کنونی، رودخانه‌های مهم و مشترک مرزی، دریا‌های اطراف و توپوگرافی سه بعدی فضای جغرافیایی منطقه مورد مطالعه است. چرا که نقشه اساس جغرافیا، ابزار کار جغرافیدان، پایه کلیه مطالعات جغرافیایی در

ویژگی عمده کتاب، غلبه دیدگاه تحلیلی و علمی بر روش‌های سنتی شناخت و بررسی منابع تنش‌زا میان ایران و همسایگان است

دردسری (پیترهاگت را موجب مشاجره و منازعه دولت‌های همسایه می‌شود، بر می‌شمرد و در ادامه تنها به فهرست مذکور اکتفا نکرده و یازده عامل مهم غیر محیطی و غیر فضایی را نیز به موارد تنش‌زای بین‌المللی اضافه می‌کند.

از نکات بسیار ارزنده کتاب، می‌توان به نوعی بدعت و نوآوری

در معرفی و بیان عوامل تنش‌زای بین‌کشورهای همسایه و طبقه‌بندی استادانه این عوامل در سه گروه کلی از سوی نویسنده اشاره کرد. وی منابع جغرافیایی مشاجره بین دول هم‌جوار را از نقطه نظر منشأ، ریشه و نوع تنش در سه گروه: ۱- ژئواکونومیک ۲- ژئواستراتژیک ۳- ژئوکالچر تقسیم‌بندی کرده و به طرح مباحثی در هر گروه پرداخته است.

جاداشت مؤلف در لایه‌ای بررسی و تحلیل منابع ژئواکونومیک مشاجره، از عوامل تنش‌زای دیگری از قبیل، عوامل آلاینده‌های زیست محیطی مراکز صنعتی کشور همسایه که توسط جریان‌های هوا وارد کشور می‌شود و یا حتی در مقیاس کلان، بحث تخریب لایه ازن و اثرات محسوس آن بر برخی از کشورها، انجام آزمایش‌های هسته‌ای در فضای استراتژیک مجاور کشور همسایه و نیز تخریب اکوسیستم‌های

تمامی گرایش‌ها و در عین حال مهم‌ترین ابزار تصویری و گویای آموزش و پژوهش است).

مؤلف در فصل سوم تحت عنوان منابع مشاجره ایران - عراق، ضمن بررسی دست‌کم ده منبع بالفعل و نوزده منبع بالقوه تنش و مشاجره بین دو دولت، نتیجه می‌گیرد که روابط دو کشور در افق آینده بسیار حساس، شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود. موضوعی که جا داشت در این جا مؤلف اهمیت بیشتری برای آن قائل شود، مسئله کردهای شمال عراق است که پیوندهای فرهنگی مشترک و قوی با کردهای ایران، ترکیه، سوریه و ارمنستان داشته و سرنوشت مورد انتظار این منطقه هارتلند (Hart Land)، موضوع اصلی و متغیر مهمی در مناسبات آتی دو کشور و دیگر کشورهای مذکور می‌باشد. چراکه وضعیت آینده این قوم تأثیر بسیار زیادی بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشورهای بالا خواهد داشت.

در فصل چهارم کتاب، پس از بررسی و تحلیل علمی پیشینه تاریخی روابط ایران و ترکیه به لحاظ ملاک‌های ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، از ایران به عنوان تنها همسایه قابل اطمینان و درازمدت ترکیه در بین همسایگان یاد شده و به روابط استراتژیک دو کشور طی سال‌های ۱۹۲۴ تا ۱۹۸۰ م. به عنوان شاهدهی بر این مدعا اشاره شده است. ولی از سال ۱۹۸۰ م. به بعد در پی تغییر نظام حکومتی ایران و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تکوین پایدار قفقاز و آسیای مرکزی در صحنه روابط بین‌الملل، روابط دو کشور تحت تأثیر ملاحظات جدید به تدریج از روابطی استراتژیک به کدورت‌های دیپلماتیک، عدم تفاهم نسبی، تیره‌گی و رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است. در همین مدت، منابع قدیمی و متروک تنش بین دو کشور بار دیگر احیا شده و عوامل دیگری نیز به عنوان منابع مشاجره جدید سر برآورده‌اند.

مسئله بیست و پنج میلیون‌گرد ترکیه و تلاش آن‌ها برای رسیدن به سهم بیشتری از قدرت سیاسی، هدف آرمانی ترک‌ها برای پیوند با اروپا و پرهیز از توجه کانونی و استراتژیک به صحنه خاورمیانه، هم‌پیمانی استراتژیک آن‌ها با اسرائیل و آمریکا به منظور کاهش قدرت مانور منطقه‌ای ایران، اجرای سیاست‌های ناتو توسط ترکیه و مسائل دیگری از قبیل منابع آب، ترانزیت و ایدئولوژیک به همراه دیگر منابع کم‌اهمیت یا ناپایدارتر تنش مانند آینده سیاسی عراق، روابط ایران با آمریکا و شوروی، موضوعات اصلی و متغیرهایی هستند که می‌توانند آینده تیره‌ای را در مناسبات دو کشور به همراه داشته باشند.

مطالعه منابع تنش و تهدید ایران و همسایگان زمانی می‌تواند شناخت دقیقی از محیط استراتژیک پیرامون کشور به دست دهد که با شناسایی عملکرد و تأثیر حوزه‌های ژئوپلیتیک پیرامونی بر امنیت ملی همراه باشد

در فصل پنجم، منابع تنش و مشاجره ایران و جمهوری آذربایجان در چهار گروه: ۱- عدم یکپارچگی سرزمین جمهوری آذربایجان ۲- تمایل استراتژیک جمهوری آذربایجان به ناتو و آمریکا ۳- حقایق ارس و ۴- نظام حقوقی دریای خزر طبقه‌بندی شده و دیگر منابع تنش در زمره منابع ناپایدارتر ذکر شده‌اند. در ادامه، مؤلف با ارائه دلایل منطقی و علمی به ایفای نقش اصلی موضوع آرمان «آذربایجان بزرگ» در روابط آتی ایران و آذربایجان پرداخته و آن را مهم‌ترین منبع تنش را دانسته است.

مؤلف در فصل ششم به پویایی و گسترش سیر صعودی روابط ایران و ارمنستان پرداخته است.

در فصل هفتم پیشینه روابط ایران و روسیه جمع‌بندی منطقی شده است و عوامل یا مسائل ژئواکونومیک تنش، به ویژه بهره‌برداری از منابع آبی را ریشه‌یابی و برمی‌شمارد.

فصل هشتم با عنوان منابع مشاجره ایران - ترکمنستان، به بررسی و تحلیل نقش و عملکرد چند منبع مهم تنش از قبیل، امتداد جغرافیایی قومی ترکمن‌ها در دشت ترکمن، نیاز شدید ترکمنستان به آب رودخانه‌های وارده از خاک ایران و علایق ژئوپلیتیک دو کشور، به ویژه در زمینه استفاده سد معبری و رژیم حقوقی دریای خزر اختصاص دارد. موارد مذکور نوع و سطح روابط این دو کشور را در آینده تعیین خواهند کرد.

در فصل نهم خاطر نشان شده که هیچ کشوری در جهان به اندازه افغانستان محاط در خشکی و تنگنا با مدل «های پوتیتکا» ی پپتر هاگت منطبق نیست. او در ادامه با کمال اشراف بر پنجاه و هفت مورد

ژئوپلتیک بیرونی است.

در فصل پایانی این مجموعه، مؤلف با تسلط کامل بر مباحث مورد بررسی به جمع‌بندی نتایج فصول پیشین و چشم‌انداز آتی ایران می‌پردازد. وی پیشنهاد می‌کند که ایران باید در تهیه و تنظیم استراتژی ملی خود در منطقه خاورمیانه، سه واقعیت محوری را که بر امنیت، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور در درازمدت تأثیر می‌گذارند، مدنظر قرار دهد. این سه واقعیت عبارتند از:

۱ - تراکم تهدیدات پیرامونی از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۰ به دلیل رکوردار بودن تعداد همسایگان در بین کشورهای منطقه که بیشتر آن‌ها در شمار دولت-ملت‌های نوپا، تازه تأسیس، کمتر توسعه یافته و دارای تنگناهای ارتباطی از نظر دستیابی به دریای آزاد هستند.

۲ - داشتن مرزهای طولانی بالغ بر ۸۷۳۱ کیلومتر که منطبق بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی شامل مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ای، کویری، باتلاقی، مردابی، رودخانه‌ای، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی است و کنترل کامل این مرزها برای ایران بسیار مشکل است.

۳ - فقدان چتر حمایتی برای ایران (و استثنائاً کشور افغانستان) در برابر تهدیدات بیرونی. این در حالی است که تمام همسایگان ایران حداقل از یک یا چند چتر مصونیتی به دلیل عضویت در محافل بین‌المللی، اتحادیه‌ها و شوراهای همکاری و یا برخورداری از قدرت هسته‌ای و حمایت‌های مبتنی بر اعتقادات مذهبی، برخوردارند.

دست‌آخر این که، مؤلف پنج کانون تهدید مستقیم (اسرائیل، آمریکا، جمهوری آذربایجان، عراق و افغانستان) را در حال حاضر (سال ۱۳۸۱) و هجده نقطه و مسئله حاد را که شعله‌ور شدن آن‌ها می‌تواند بر امنیت ملی، داخلی و یا حداقل مرزی ایران تأثیر بگذارد، برمی‌شمارد و پیش‌گویی می‌کند که فعال شدن این کانون‌ها طی دهه ۲۰۱۰ به هیچ وجه دور از انتظار نیست.

به عقیده نویسنده راه‌راهایی ایران از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های عمده استراتژیک درونی و بیرونی، تبیین و تدوین استراتژی ملی و چارچوب مناسب تحقق آن است.

در پایان، اگر از اشکال فقدان نقشه جغرافیایی که پیش از این ذکر شد درگذریم، مطالبی که در این کتاب آمده، جای تأمل بیش از تورق معمولی یک کتاب رادارد و می‌تواند کتابی مناسب برای مباحث آموزشی در بین واحدهای درسی رشته‌های جغرافیای انسانی و طبیعی، علوم سیاسی، حقوق و روابط بین‌الملل و دیگر رشته‌های علمی مرتبط با آنها محسوب شود.

به عقیده مؤلف

راه‌راهایی ایران از

دغدغه‌ها و

دلمشغولی‌های عمده

استراتژیک درونی و

بیرونی، تبیین و تدوین

استراتژی ملی و

چارچوب مناسب تحقق

آن است

منبع تنش و مشاجره پایدار افغانستان با همسایگان، بیان می‌کند که افغانستان رکوردارترین کشور دارای منابع پنهان و آشکار مشاجره با همسایگان بوده و چشم‌انداز آتی آن را هم چنان به صورت کانون داغ و بحران خیز جهان پیش‌بینی می‌کند.

در ادامه مطالب کتاب، به امن‌ترین محور تاریخی برای ایران (مرز ایران و پاکستان) در فصل دهم اشاره شده است. زیرا گسستگی فضای سرزمینی، نداشتن تعارض طبیعی ژئوپلتیک و جهات کاملاً متفاوت تهدید اصلی را، از جمله عوامل مهم و پایدار در ایجاد چنین نقش تاریخی می‌داند. با این وجود، مؤلف از مسائل ناشی از قدرت هسته‌ای پاکستان غافل نمانده و آن را از جمله منابع تنش بین دو کشور در افق آینده می‌داند.

در فصل یازدهم موضوع پابرجا بودن نظام‌های پادشاهی و امیر نشین عرب کشورهای جنوب خلیج فارس مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این فصل تأکید می‌شود که ثبات و دوام این نظام‌ها تهدید مستقلی علیه ایران به حساب نمی‌آید.

مؤلف در فصل دوازدهم درباره امنیت ملی و فضای پیرامونی یادآور می‌شود که «مطالعه منابع تنش و تهدید ایران و همسایگان زمانی می‌تواند شناخت دقیقی از محیط استراتژیک پیرامون کشور به دست دهد که با شناسایی عملکرد و تأثیر حوزه‌های ژئوپلتیک پیرامونی بر امنیت ملی همراه باشد.» بنابراین امنیت ملی، داخلی و یا حاشیه‌های مرزی، از یک سو تحت تأثیر منابع متعدد تنش دو یا چند جانبه با کشورهای همجوار است و از سوی دیگر محیط استراتژیک ایران، از جمله امنیت ملی آن در معرض حوزه‌های